

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۴ اپریل ۲۰۲۳

اوکراین آخرین میخ تابوت نظام تک قطبی در جهان

همانگونه که «یوشکا فیشر» (Joschka Fischer) وزیر امور خارجه وقت المان و «گرهارد شرودر» (Gerhard Schröder) صدراعظم سابق المان در بهار ۱۹۹۹ حمله و تجاوز به یوگسلاوی را با هیتلر خواندن «اسلویدان میلوسویچ» (Slobodan Milosevic) رئیس جمهور صربستان که گویا قصد «نسل کشی در کوزوو را دارد» توجیه کردند، امروز هم غرب جنایتکار با هیتلر و جنایتکار خواندن «ولادیمیر پوتین» (Wladimir Putin)، از «ولودومیر زلنسکی» (Wolodymyr Selenskyj) فاشیست و هنگ فاشیستی «آزوف» (Asow) وی دفاع کرده و به آنها انواع و اقسام سلاح‌های سبک و سنگین می‌دهند. آنها حتی در یک دادگاه دست‌نشانده و استعماری جهانی به نام «دادگاه کیفری جهانی» با هیاهوی تبلیغاتی رئیس جمهور روسیه را به صورت غیابی جنایتکار جنگی خوانده‌اند که طبیعتاً موجب مضحکه دنیا بوده و پیش‌بینی ارزش واقعی ندارد. ناتوئی‌ها و امریکا در حقیقت «سنگ را بسته و سگ را گشاده‌اند». «یوشکا فیشر» این نوکر امپریالیسم امریکا - که «آنالنا بربوک» (Annalena Baerbock) وزیر امور خارجه بددهن و بی‌سواد فعلی المان و «روبرت هابک» (Robert Habeck) وزیر اقتصاد این کشور از شاگردان و دست پروردگان او به حساب می‌آیند - در توجیه حمله به یوگسلاوی گفته بود: «همانطور که امریکا المان را از شر فاشیسم هیتلری رها کنید، ما هم باید از قتل عام مردم کوزوو - آلبانی جلوگیری کنیم»!

ما ایرانی‌ها باید به خاطر بی‌اوریم که برای انجام کودتای خانانۀ ۲۸ مرداد - اسد - ۱۳۳۲ همین رسانه‌های «دموکرات» گروهی غرب و دولت‌مردان «آزادیخواه» آن از دکتر محمد مصدق دیو ساختند، وی را با هیتلر مقایسه نموده و ستون پنجم بین‌الملل کمونیسم قلمداد کردند. آنها به یاری دستگاه انحصاری رسانه‌ئی دروغ‌پرداز خود فضای مسمومی در جهان خلق کردند تا بتوانند تحریم‌های امپریالیسم بریتانیا نسبت به ایران را تحمیل، زمینه تجاوز کشتی‌هایشان در خلیج فارس را به سرحدات ایران و محکومیت ایران را در مجامع بین‌المللی فراهم و سرانجام کودتای امریکائی - انگلیس ۲۸ مرداد - اسد - را در ایران توجیه و عملی گردانند. آنها با همین روش شناخته‌شده به استقلال یوگسلاوی و تمامیت ارضی این کشور تجاوز نمودند. آنگاه آنها با بمب‌افکن‌های امریکائی و المانی بر سر شهرها و مردم یوگسلاوی بمب ریختند، شهر بلغراد پایتخت یوگسلاوی را بمباران کردند، پل بر روی رودخانه «درینا» را تخریب کرده، سفارت رسمی جمهوری تودئی چین را در پایتخت یوگسلاوی با خاک یکسان نمودند و صدها نفر مردم غیرنظامی را با ویران کردن اهداف غیرنظامی به قتل رسانیدند و وجدانشان نیز ناراحت نشد و به عکس در رسانه‌های خود فقط دروغ گفتند و اخبار کذب پخش کردند و سپاه را سفید جلوه دادند. دروغ بزرگ «جرج بوش» پسر و «تونی بلر» برای تجاوز به

عراق و سرنگونی رژیم صدام حسین نخستین دروغ غربی‌های «متمدن» و «دموکرات» نبود و آخرین آن هم نخواهد بود. امروز هم با حرکت از همان استدلالات کذائی و با همان روش دروغ‌گوئی که ما بارها در روند تاریخ شاهد آن بوده‌ایم با تحویل سلاح به اوکراین به آتش جنگ در این کشور دامن می‌زنند و تنها چیزی که برای آنها هیچ‌گونه ارزشی ندارد جان مردم دو کشور اوکراین و روسیه است که قربانی می‌شوند. آنها حتی در صدد آن هستند که مانند گذشته در جنگ یوگسلاوی و عراق [و افغانستان] از تسلیحاتی با اورانیوم رقیق‌شده برای کشتار مردم استفاده کنند، گلوله‌هایی که تأثیرات کشنده آن نه فقط به ضد روس‌ها بلکه به ضد تمام مردم اوکراین و همسایگان این کشور حتی تا اروپای غربی است. خونخواری آنها حد و مرز نمی‌شناسد. این جانیان همان کسانی هستند که می‌خواهند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یعنی ارگان رسمی نظامی یک کشور عضو سازمان ملل متحد را به عنوان تروریست در فهرست سپاه تروریست‌ها قرار دهند و مثنی خود فروخته ایرانی نیز برایشان هلله کرده و کف می‌زنند.

باری، سر فرود آوردن دولت سرسپرده ائتلافی آلمان، به ویژه حزب سبزها، در مقابل سیاست میلیتاریستی امریکا ریشه در گرایش سیاست امپریالیستی- میلیتاریستی رایش سوم دارد. این روند با حمله به یوگسلاوی، نقض حقوق ملل، نقض پیمان همکاری و امنیت اروپا آغاز گشت و دولت آلمان رسماً سیاست تشنج زدائی «ویلی برانت» (Willy Brandt) را که تاریخ مصرفش تمام شده بود بوسید و به طاق نسیان گذاشت و به سیاست امپریالیستی- میلیتاریستی روی آورد. با این تفاوت که امروز دولت آلمان خلاف زمان هیتلر خود سرسپرده به سرور گرمی‌اش امریکاست.

غافل از این که فعلاً زمان از هر جهت به زیان این کشور است. سران دولت آلمان رسماً و عملاً استقلال سیاسی کشور را به ناتو به رهبری امریکا واگذار کرده‌اند. البته فراموش نکنیم که کشور آلمان از بعد از جنگ جهانی دوم هنوز کشور اشغالی به شمار می‌آید زیرا هنوز پیمان صلح با امریکا امضاء نکرده است. آلمان مرکز و انبار بمب‌های اتمی امریکا در اروپاست و از خودش تقریباً کوچک‌ترین اراده‌ای ندارد. پایگاه نظامی «رامشتاین» در مرکز آلمان عملاً و رسماً پایگاه هوایی امریکا محسوب می‌شود. در رسانه‌های گروهی، انحصاری و رسمی در آلمان و جهان هرگز به این واقعیات اشاره نمی‌شوند. شوروی‌ها با خروج از بخش اشغالی آلمان شرقی آن را در اختیار بخش اشغالی آلمان غربی قرار داده‌اند ولی در رسانه‌های گروهی چنین به مردم جهان القاء می‌شود که گویا بخش اشغالی آلمان به بخش «آزاد آلمان» افزوده شده است که کذب محض بوده و تنها منطقه اشغالی امریکا در آلمان را توسعه بخشیده است.

امریکا به آلمان به مثابه گوشت دم توپ و عامل تشنج‌افزائی و تحریک برای مقابله با روسیه در اروپا نیاز دارد. فشار امریکا به جناح نزدیک به روسیه در داخل آلمان از همان زمان کودتای امریکا در اوکراین در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت. تمام تلاش‌های خانم «آنجلا مرکل» (Angela Merkel) و «گرهارد شردور» برای رفع نیاز تولیدی خودشان به روسیه، برقراری توازن و جلب نظر امریکا و ایجاد مصالحه با آنها و کشیدن پای شرکت‌های بزرگ نفتی به این معامله و دادن رشوه به امریکا به جایی نرسید و دولت «جو بایدن» (Joe Biden) سرانجام با بی‌شرمی و امر و نهی از آلمان خواست که در ابتدا با پیوستن به تحریم روسیه خود را از گاز مایع ارزان آن کشور محروم کند و سپس با مجازات آلمان‌ها از آنها خواست به خرید گاز مایع به مراتب گران‌تر امریکا که حداقل سی درصد گرانتر از گاز روسیه تن دردهد. لنگرگاه‌های مدرن آلمان حتی قادر نبودند امکان پهلو گرفتن کشتی‌های غول پیکر گاز مایع امریکا به آلمان را به وجود آورند. لذا دولت آلمان از پول مالیات دهندگان آلمان بندرگاه‌های ویژه‌ای برای تخلیه گاز مایع امریکائی به خاطر تزریق به شبکه گازرسانی آلمان ساخت. استخراج این گاز به علت این که با تخریب محیط زیست و آسیب‌رسانی به سلامت انسان‌ها در امریکا همراه است ظاهراً در تناقض کامل با سیاست حزب سبزها در حکومت آلمان قرار دارد که البته فعلاً خفقان گرفته و صدای اعتراضشان علیه این تخریب گسترده محیط زیست در نمی‌آید. حتی رسانه‌های

مزدور المانی هم جرأت ندارند به جز نظریات رسمی و دیکته‌شده وزارت امور خارجه المان سخنی خلاف سیاست رسمی بر زبان آورند.

در نتیجه گرانی انرژی و سایر مواد خام در اقتصاد المان به یکباره قریب به ۱۰٪ تورم ایجاد شد و هزینه‌های زندگی مردم بشدت افزایش یافت. بسیاری از شرکت‌های المانی به علت افزایش قیمت سرسام‌آور گاز و برق یا ورشکست شده‌اند و یا برای ادامه حیات به امریکا کوچ کرده‌اند و می‌کنند. زیرا در آنجا انرژی به ویژه گاز، حداقل ۴ برابر ارزان‌تر از المان است.

امروز کنسرن‌های امریکائی گاز را ۴ برابر گران‌تر از بازار امریکا به اروپا می‌فروشند. طبیعی است که این روند از دو سمت به نفع امپریالیسم امریکاست. از یک سو تضعیف اقتصاد اروپا به ویژه المان را به همراه دارد و از سوی دیگر باعث تقویت و رشد اقتصاد بیمارگونه امریکا می‌گردد. به تدریج کالاهای اروپائی و به ویژه المانی توانائی رقابت با کالاهای امریکائی، چینی، هندی و روسی را از دست می‌دهند. در کنار این اقدام «دوستانه» امریکا سیل کمک‌های یارانه‌ای امریکا به شرکت‌های اتومبیل‌سازی امریکائی و یا هر شرکتی که در امریکا سرمایه‌گذاری کند افزایش یافته است و این سیاست رقابتی سیل انتقال سرمایه‌ها را از اروپا به امریکا افزایش داده است. در عین حال دولت «بایدن» با تشدید سیاست میلیتاریستی و ارسال اسلحه سبک و سنگین به اوکراین و سایر کشورهای اروپائی، با ارسال هواپیماهای جنگی به اروپا و ... در خدمت به کنسرن‌های اسلحه‌سازی امریکا نقش بسزائی ایفاء می‌کند. فروش تسلیحات امریکا طی یک سال گذشته دو برابر شده و نزدیک به ۶۰ میلیارد دلار آن تنها به اوکراین رفته است.

خبرگزاری «رویترز» گزارش داد که «زلنسکی» رئیس جمهور دست‌نشانده اوکراین از بعضی از اعضای کنگره امریکا حتی خواسته است که رئیس جمهور «جو بایدن» را متقاعد کنند تا به اوکراین بمب‌های خوشه‌ای MK20 و گلوله‌های خوشه‌ای توپخانه ۱۵۵ میلی‌متری تحویل دهد، سلاح‌هایی که کاربست آنها در عرصه بین‌المللی از سال ۲۰۰۸ ممنوع است، زیرا این گلوله‌ها پس از شلیک در سطح وسیع پخش شده و باعث مرگ غیرنظامیان نیز می‌گردد. البته راکت اندازهای ماراس، پدافند پاتریوت و تانک‌های آبرامز سلاح‌هایی هستند که امریکا به اوکراین تحویل داده و هنوز هم می‌دهد. ناگفته نماند که امریکا دیر یا زود بهای این تسلیحات را از اوکراین دریافت می‌کند. فروشنده این تسلیحات شرکت‌های خصوصی تسلیحاتی امریکائی هستند و دولت امریکا تنها اجازه صدور آنها را تصویب می‌کند. دولت اوکراین باید هزینه این تسلیحات را به شرکت‌های خصوصی امریکائی بپردازد. این پول‌ها یا از جیب مردم اروپا به صورت کمک‌های مالی دول اروپائی تأمین می‌شود و یا شامل بدهکاری‌هایی می‌شود که دولت اوکراین در نزد صندوق بین‌المللی پول بالا می‌آورد و مردم اوکراین باید آن را در آینده پرداخت کنند.

امریکا برای تضعیف اروپا و روسیه در همکاری با انگلستان به افزایش تشنج و جنگ فرسایشی در اوکراین نیاز دارد. آنها به تدریج درجه افزایش تشنج را تشدید می‌کنند. از کمبود گلوله زلنسکی در جنگ اوکراین آغاز کردند امروز به ارسال تانک، توپ‌های دوربرد، و پهپاد و هواپیما رسیده‌اند. بریتانیا حتی قصد دارد گلوله‌های حاوی اورانیوم رقیق‌شده به اوکراین تحویل دهد که جنگ را به آستانه یک درگیری هسته‌ای می‌کشاند. ولی سیاست جنگ‌طلبانه امریکا از یک سو با مخالفت مردم اروپا روبه رو شده که هم برای پایان جنگ و هم برای بهبود شرایط زندگی خود به صورت میلیونی به خیابان‌ها آمده و به اعتصابات گسترده دست می‌زنند. شرایطی که وحدت باسماهای اروپا را به هم زده است.

این مؤلف‌ها نشان می‌دهند که محاسبات امریکا که می‌خواست اقتصاد روسیه را در عرض چند هفته نابود کند اشتباه از کار درآمد و به عکس اروپا را با مشکلات عدیده مواجه ساخته و در مقابل تصمیمات حیاتی قرار داده است. تظاهر به وحدت در اروپا فقط زبانی است در حالی که المان، فرانسه، هالند، ایتالیا، هنگری جبهه مخالفان تشدید تشنج را تشکیل

می‌دهند، پولند، اسلاواکی، جمهوری چک، ممالک بالتیک همراه با بریتانیا و امریکا با تشدید آتش‌افروزی در پی تجزیه روسیه هستند.

این دو گروه حتی نتوانستند بر سر آینده جنگ با اوکراین در جلسه ۲۷ کشور اتحادیه اروپا بر سر یک قطعنامه روشن به توافق برسند. آنها در قطعنامه خویش به اتفاق آراء بر سر عبارت مبهم زیر توافق کرده‌اند که به مصداق «هر کس از ظن خود شد یار من» آمده که: «ما به اوکراین تا مدتی که نیاز آن وجود داشته باشد یاری خواهیم کرد». در فردای تصویب این قطعنامه تمام دولت‌مردان دو جناح به تفسیرهای خود دست زدند و قطعنامه را از اساس بی‌پایه نمودند. آنها در توصیف وضعیت کنونی آوردند: «کشور مورد تجاوز نباید ببازد و کشور متجاوز نباید ببرد» که عبارتی مبهم و قابل تفسیر است. جبهه هواداران ادامه جنگ و افزایش تشنج که کشورهای شرق اروپا هستند قادر نشدند لجام گسیخته به نابودی اروپا بر اساس توهمات غیرواقعی دست زنند. کار بن‌بست جنگ اوکراین از جانب غرب متجاوز و ناتوی جنگ‌طلب بر اساس محاسبات غلط به جانی رسیده است که حتی وزیر امور خارجه امریکا برای دخالت در امور داخلی همه کشورهای جهان در مقابل پرسش‌های نمایندگان کنگره امریکا پیرامون ارزیابی وی از وضعیت کنونی به پاسخی مبهم پرداخته که اعترافی به شکست سیاست امریکا در اوکراین است. هم بخش مهمی از جمهوری‌خواهان و هم مردم امریکا با ادامه یاری به اوکراین مخالفند.

«آنتونی بلینکن» (Antony Blinken) در مقابل پرسش مربوط به تمامیت ارضی، حق حاکمیت ملی و آینده اوکراین بیان کرد: «من فکر می‌کنم مناطقی در اوکراین وجود دارند که اوکرائینی‌ها مصمم هستند برایشان در محل بجنگند، می‌توانند مناطقی باشند که آنها باید به شیوه دیگری برای بازپس‌گیری آن تلاش کنند» (نقل از نشریه المانی زودویچه سایتونگ مؤرخ ۲۶/۲۵ ماه مارچ ۲۰۲۳). این عبارت «آنتونی بلینکن» بسیار معنادار است که از شکست ستراتیژیک امریکا، وضعیت بد اروپا و صحبت‌های پشت‌پرده با روسیه حکایت می‌کند. اما برای این که بیش‌تر به ماهیت جنگ افروزانه و اهداف شوم امپریالیسم امریکا و متحدینش در آغاز جنگ و تصمیم توسعه‌ناتو و تهدید روسیه پی‌ببریم، بد نیست به گفته‌های «نفتالی بنت» (Naftali Bennett) رئیس دولت سابق اسرائیل نظری بیفکنیم. طبق اعترافات او یک سال پیش می‌بایست جنگ اوکراین پایان می‌یافت. وی اوائل فبروری مصاحبه‌ای با یک خبرنگار اسرائیلی به نام «هانوش داوم» (Hanush Daum) انجام داد که به صورت پادکست پخش شد. «فابیان شایدلر» (Fabian Scheidler) در روزنامه «برلینر سایتونگ» (Berliner Zeitung) به نقل از این پادکست می‌نویسد: «به گفته نفتالی بنت آتش‌بس در دسترس بود. زیرا هر دو طرف - روسیه و اوکراین - حاضر بودند از بعضی از خواست‌های خود بگذرند و به طرف مقابل امتیازاتی بدهند. اما بیش از همه امریکا و انگلستان روند مذاکره را مختل و مختومه اعلام کردند. آنها عملاً خواست خود را مبنی بر ادامه جنگ تحمیل کردند». او ادامه می‌دهد: «این اظهارات که واقعیت جدیدی از جنگ‌طلبی ناتو، به ویژه امریکا و انگلستان را عیان می‌سازد از آن جهت حائز اهمیت است که از سوی رئیس سابق دولت اسرائیل که ناتوی‌ها دیگر نمی‌توانند او را هم مبلغ پوتین جلوه دهند و بدنامش سازند - فاش می‌شود. اظهارات «نفتالی بنت» در عین حال هرگونه دلیل و مشروعیت تحویل سلاح‌های سنگین، که دولت‌های ناتو همچون امریکا، کانادا، انگلستان، آلمان، فرانسه، پولند و... تصمیم به تحویل آنها به اوکراین جهت ادامه جنگ و نیز افزایش تشنج و تحریم علیه روسیه گرفته‌اند را نه تنها زیر سؤال می‌برد و غیرقابل دفاع می‌سازد، بلکه می‌باید آن را شدیداً محکوم کرد».

اما ما می‌دانیم که ادامه جنگ همان‌گونه که در بالا اشاره رفت به منظور استقرار راکت‌های کروز امریکا - نه تنها در پولند و رومانی - که می‌باید در اوکراین نیز به وقوع بپیوندد تا امپریالیسم سلطه‌گر امریکا به خیال خام خود قادر به

محاصره و در نهایت تجزیه و اعمال سلطه بر روسیه گردد. این که ادامه این سیاست میلیتاریستی به جنگ جهانی سوم و یا حتی به یک جنگ هسته‌ای ختم خواهد شد یا نه، آینده نشان خواهد داد و برای امریکا علی‌السویه است. ولی در هر صورت نسیم شکست ستراتیژی امریکا در بهار امسال چهره‌ها را نوازش می‌دهد. اوکراین به آخرین میخ تابوت نظام تک‌قطبی بدل شده است.

نقل از توفان ارگان مرکزی حزب کارایران شماره ۲۷۸ اردیبهشت ماه - ثور- ۱۴۰۲
www.toufan.org